

شرق

روزنامه

ورزشکار فلسطینی مهارت‌های خود را در ورزش پارکور در دوران کرونا در شهر غزه نشان می‌دهد، عکس: Mohammad Salam, Reuters



صاف و ساده

دامنه انحصار صداوسیما و مرزهای نظارت

ایران، آثار خارجی بودند و از بسیاری از سریال‌های تلویزیونی، هم به لحاظ کیفیت فنی و هم محتوایی بهتر هستند و البته با هزینه به مراتب کمتری ساخته شدند و حتی سریال‌هایی چون قلب یخی، کرگدن، دل، خواب‌زده و نهنگ آبی، از متوسط کیفی مجموعه‌های تلویزیونی، بالاتر و بهتر تولید شده و در این رقابت رسانه‌ای، صداوسیما بازنده بوده است. در صداوسیما، هر چه فضا بسته‌تر شده، دیگر خبری از تولید آثاری چون برنامه تیز خود را محق در برره، شب دهم، در چشم باد و سریال‌های فاخر قرآنی نمی‌شود.

تلاش صداوسیما برای تسلط بر فضای مجازی، مشکل آنها را با مخاطبان ناراضی حل نخواهد کرد، بلکه باعث تاراندن بیشتر آنها به سمت محتوای خارج از مرزا می‌شود. آنهایی که صداوسیما را به تسلط بیشتر سوق می‌دهند، توجه داشته باشند اینکه فناوری‌های جدید، این‌امکان را فراهم کرده که محتوا و اطلاعات بدون اینکه به وسیله نهاده‌ها و سازمان‌های سلسله‌مراتبی، پردازش شده باشد، مستقیم در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد؛ به علاوه با چنین محتوا و اطلاعاتی، مردم می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و تازه هرچه فناوری پیشرفته‌تر می‌شود، مقابله با این روند، سخت‌تر و حتی غیرممکن می‌شود. راه درست این است که متولیان رسانه ملی، به جای گستردن دامنه انحصار و مرزهای نظارت، موانع قانونی تأسیس ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی توسط بخش خصوصی را از طریق مجمع تشخیص مصلحت برطرف کنند.

در چنین شرایطی، عیار گوهر صداوسیما مشخص و تنوع تولید محتوا، منجر به تولید آثار فاخر و ارزشمند می‌شود. حذف رقب و بازی با معیشت هزاران خانواده‌ای که از صنعت سینما و تولید محتوای فرهنگی ارتزاق می‌کنند، آخر و عاقبت خوشی ندارد و باید به عرف دنیا توجه کرد و تجربه کشورهای موفق را برای بهبود شرایط موجود، الگو قرار داد. اصرار بر مسیر اشتباه و نیز ناراضی‌تراشی، شهزاد، شاه‌گوش، دندون طلا، هم‌کنا و ساخت

و محرز برای صداوسیما بوده است. اصرار بر حفظ وضعیت موجود و حتی افزودن به حوزه مسئولیت صداوسیما، عجیب نیست. برخی دستگاه‌ها دوست دارند دامنه انحصار خود را گسترده کنند. آنها در حال و هوای چند دهه گذشته سیر می‌کنند و نمی‌خواهند باور کنند که فناوری‌های ارتباطی جدید، همه مناسبات گذشته را تغییر داده و کنترل تولید محتوا با صدور مجوز، دیگر به افسانه‌ها پیوسته است. فرار از واقعیت، به تحقق اهداف فرهنگی کشور کمکی نمی‌کند، بلکه صرفا افشار بیشتری را ناراضی می‌کند و در نهایت نتیجه‌ای جز بدگمانی حاصل نمی‌شود. سطح تولیدات محتوای فرهنگی، نازل و مبتذل شده؛ این ادعای درستی است، اما دلیل آن ضعف نظارت وزارت ارشاد نیست. دلایل عمیق‌تری دارد که دقت و توجه به آنها ضروری است.

یکی اینکه در دنیا این‌طور نیست که هر اثری تولید می‌شود، فاخر است، هرگز چنین نیست. مخاطب تعیین‌کننده است. مخاطب، به طور معمول اثر مبتذل و بی‌کیفیت را نمی‌پسندد و به لحاظ اقتصادی، برای تولیدکننده صرف نمی‌کند اثر بد و ضعیف بسازد. بالا‌بردن ذائقه مخاطبان عام، وظیفه دستگاه‌های فرهنگی، از جمله صداوسیما بوده که در سه، چهار دهه اخیر، مشغول‌شدن به رنگ لباس و ظاهر بازیگران، آنها را از این مهم دور داشته است. مخاطب جوان ایرانی، بر اثر کژکارکردی دستگاه‌های فرهنگی، توجه خود را معطوف به ظاهر آثار فرهنگی و نیز دقت در نمایش موارد ممنوعه کرده است.

تفاوت سریال‌های تلویزیونی با سریال‌هایی که ارشاد برای نمایش خانگی مجوز داده، در چیست؟ تفاوت در این است که نظارت صداوسیما برای پوشش دختران و زنان، جدی‌تر و سخت‌تر بوده و نیز تلاش شده پیام فیلم و سریال، در خدمت دیدگاه‌های خاص باشد و در سریال‌های خانگی چنین نبوده است. مجموعه‌هایی چون قهوه تلخ، شهزاد، شاه‌گوش، دندون طلا، هم‌کنا و ساخت



اصناف سینمایی بسیار نگران هستند. آنها فکر می‌کنند اگر صدور مجوز آثار فیلم و سینما به دست صداوسیما بیفتد، کارشان دچار اختلال جدی خواهد شد. واقعا در دنیا انگشت‌نما شده‌ایم که یک بخش نظام، نظارت بخش دیگر را قبول ندارد و می‌خواهد انحصار همه آثار فرهنگ و هنر را در دست بگیرد. واقعیت این است که تلویزیون در رقابت با سینمای خانگی شکست خورده و اکنون به جای اصلاح، درصدد تسلط بر رقیب خود برآمده است. تازه نظام صدور مجوز در دنیا منسوخ شده و دوران آن گذشته است و غیر از آثار خاص برای کودکان که نیاز به دریافت مجوز پیش از ساخت دارد، تولیدکنندگان آثار فرهنگی، با مسئولیت خودشان و در چارچوب قوانین و مقررات، محتوا تولید می‌کنند و در صورت تخلف از قانون، با برخورد دادگاه مواجه می‌شوند. هراس از نظارت تلویزیون، به خاطر غلبه سلاقی و تنگ‌نظری‌های محفلی و جناحی بر صرف رعایت قانون و مقررات است. صداوسیما متأسفانه طبق قانون اساسی، انحصار تولید و پخش رادیو و تلویزیون را برعهده دارد و در ۴۰ سال گذشته، مخصوصا سده دهه اخیر، چارچوب‌های شکلی و سلیقه‌ای، گاه فراتر از قانون برای خود ساخته و درون آن گرفتار شده است. این سازمان، عملکرد ناموفقی داشته که ریزش مخاطب و رونق‌یافتن شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان ماهواره‌ای، ازسبست‌دادن مرجعیت خبری به نفع شبکه‌های خبری بیگانه و نیز بی‌اعتمادکردن مخاطبان و ضعف مستمر در قدرت اثرگذاری اجتماعی و سیاسی، از نتایج آن بوده؛ به نحوی که در آخرین انتخابات سراسری در اسفند سال گذشته، کمتر از نصف واجدین شرایط در آن مشارکت کردند و این شکستی مهم

اتفاق

فقیرتر شدیم

آموزش و دسترسی به نظام بهداشتی این نابرابری و ملیندا گیتس ویروس کووید-۱۹ نابرابری اجتماعی و اقتصادی را عمیق‌تر کرده است. مثلاً در زمینه

انجام می‌شود. بر اساس این گزارش سالانه، برنامه‌های توسعه سازمان ملل در زمینه برابری دسترسی به آموزش و بهداشت نه‌تنه متوقف شده که سال‌ها به عقب بازگشته است. همه‌گیری کووید-۱۹مهم‌ترین بحران اقتصادی بعد از رکود تاریخی بین دو جنگ جهانی را به بار آورده است و اخیراً بانک جهانی درباره تبعات اقتصادی شیوع کرونا۲۰۱۹ در شرق آسیا و منطقه اقیانوس آرام هشدار داد و گفت حدود ۲۴ میلیون نفر در این منطقه نخواهند توانست خود را از فقر نجات دهند.

اخیرا انتشار کم‌سابقه و دور از انتظار روایت‌هایی

از دختران و زنان ایرانی درباره تجربیات تلخ آزارها و سوءرفتارهای جنسی از سوی اطرافیان‌شان مشتمل بر اقوام، دوستان، همکاران، معلمان، استادان، پژوهشگران و نظایر آن در شبکه‌های اجتماعی توجه زیادی برانگیخت و جریان‌سازی مؤثری شکل گرفت. مواردی از شکل‌های مشابه این‌گونه افشاسازی‌ها که تبعات مثبتی به همراه داشت، در جوامع غربی به وقوع پیوسته بود که بی‌شک در راه‌اندازی این جریان در ایران بی‌تأثیر نبوده است. در برخی از موارد شکل‌گیری این جریان انتشار اخبار و افشاگری‌ها، منتهی به واکنش‌های مثبت اجتماعی در حمایت از آسیب‌دیدگان و راویان شد؛ ازجمله اقدامات مؤثر برخی نهادهای قضائی، نهادهای دولتی و غیردولتی ایران در برخورد قاطعانه با افرادی بود که سوءرفتارشان با یقین و شواهد کافی همراه شده بود. از همان ابتدا، بسیاری در جامعه مدنی و شبکه‌های رسانه‌ای مجازی از حرکتی که آغاز شد استقبال کرده و خود نیز عرصه را برای طرح بیشتر چنین روایاتی گشودند. برخی به تشویق و حمایت از کسانی پرداختند که جرئت کردند و با وجود دشواری بازگکردن چنین تجربیات ناگواری و با وجود مخاطراتی که می‌توانست به دنبال داشته باشد، از قبیل برچسب‌زنی‌های منفی و مقصرجلوه‌دادن قربانی، همچنان به آشکارسازی وقایع تن دادند. دور از انتظار هم نبود که قریب به اتفاق متهمان به این سوءرفتارها، با انواع رویه‌ها، با توسل به جرب‌زبانی، مهارت‌های کلامی یا با پشتوانه جایگاه قدرتی که سال‌ها از آن بهره‌مند بوده‌اند-که شاید به واسطه همان جایگاه نیز خود را محق در اتخاذ رویه‌های ناروا دیده بودند- به انکار روایات‌ها پرداختند و کوشیدند تا خود را در منظر عمومی مبرا و مطهر جلوه دهند. مسلماً اثبات روایت‌هایی از تجربیاتی که در عرصه خصوصی و پشت دیوارهای بلند شکل گرفته، برای شاکیان که معمولاً در مراتب پایین‌تر قدرت و جایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز قرار داشته‌اند، کار آسانی نبوده و نیست و به خاطر انواع هزینه‌های اجتماعی- فرهنگی که برای‌شان به بار می‌آورد، ماه‌ها و سال‌ها همواره سکوت را بر پیگیری و شکایت مرجح دانسته‌اند. و صدا‌بلنه که شرایط فرهنگی نیز به هزارویک دلیل، به‌ویژه، درباره دختران، شرایط و فضای مناسبی را برای قربانیان این تجربیات فراهم نمی‌کند تا بتوان انتظار داشت و زودتر از اینها چنین حرکت‌های اعتراضی، افشاگرانه و دادخواهانه شکل بگیرد.

در این افشاگری‌ها رفتارهایی توصیف شده است که خواندن روایت‌شان حتی افراد آشنا به مسائل اجتماعی را نیز بهت‌زده می‌کند؛ چراکه این مسئله به‌عنوان مثال، چگونه ممکن بوده دختری نداند نباید چنین و چنان می‌شد و تن داده به چنین

سلام به فردا

در غفلت از آموزشی که مسئولیت ماست

اتفاقی که رخ داده... اگر قرار بر ریشه‌یابی بروز این مسائل باشد، باید به گمان من به تقصیری که در این زمینه متوجه نهادهای آموزش رسمی و رسانه‌های ماست، نیز در کنار شناسایی خلافکاری و سوءنیت افراد متهم اشاره شود. با توجه به شرایط این جامعه و با نبود آموزش صحیح به کودکان و نوجوانان اعم از دختر و پسر، درباره ابتدایی‌ترین اصول معاشرت و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی به‌هیچ‌وجه دور از انتظار نبوده و نیست که دختران ما در مواجهه با افراد دارای سوءنیت، به افرادی آن چنان کم‌تجربه یا بی‌تجربه بدل شوند که نتوانسته باشند به‌سادگی تشخیص دهند حرکتی که مرز حریم‌های شخصی را درمی‌نورد، کدام است؛ به‌ویژه زمانی که با قرارگرفتن در جایگاه پایین‌تر اجتماعی یا سنی، معرب ابهت یا اقتدار فرد مقابل شده‌اند.

زمانی که نیک بنگریم، کجا فضایی برای آموزش فرزندپسوری سنجیده برای والدین ایرانی فراهم شده تا هوشیار شوند. لازم است با دختران خود با شفافیت درباره مسائل خصوصی‌شان صحبت کنند و هشدار بدهند درباره اینکه حتی نزدیکان‌شان- و نه‌فقط غیرخودی‌ها- اعم از زن یا مرد محق نیستند هرگونه ادبیاتی را ضمن صحبت با ایشان به کار ببرند و محق نبینستند هرگونه انتظاراتی را در جریان آموزش، همکاری، پژوهش، سفر یا اوقات فراغت و نظایر آن با ایشان مطرح کنند. چه نسبتی از والدین یا اولیای آموزش و پرورش ما، حتی درباره مهارت ساده «نه‌گفتن» یا اتخاذ واکنش مناسب با فرزند خویش صحبت کرده است؛ حتی اگر فرض کنیم که خود پیش‌ازاین اصلاً آن را یاد گرفته باشند. بسیاری از قربانیان، در همین عصر کنونی که عصر تبادل اطلاعات با وسایل رسانه‌ای پیشرفته است، در واقع قربانی نداشتن ارتباط مناسب و سکوت ما والدین، مسئولان و رسانه‌های رسمی شده‌اند که ابشان را مجهز به سلاح آگاهی برای هدف ساده حفاظت از خود نکرده‌ایم. آنها را رها به حال خود گذاشته‌ایم و انتظار داشته‌ایم در مرحله عمل، بدون هرگونه پشتوانه قبلی آموزشی و آگاهی‌بخش بتوانند بهترین واکنش را در لحظه از خود نشان دهد. پیش‌بینی مخاطرات احتمالی را بکند و بعد هم جرئت این را داشته باشد که درباره اتفاقات سوئی که برایش افتاده، به والدین یا مقامات مسئول گزارش دهد و احتمالاً حمایتی دریافت کند. شرایطی که شاهد آن هستیم، بیشتر حکایت از این دارد که اکثریت قربانیان آموزش‌های تدارک دیده‌نشده ما، به جای شناسایی عامل ظلمی که به آنها شده، در خود به دنبال مقصر می‌گردند و سال‌های سال سنگینی واقع‌های رنج‌آور زندگی‌شان را در سکوت غم‌بار خود به دوش می‌کشند و زحری را که می‌کشند، تاوان تقصیرات خود تلقی می‌کنند؛ درحالی‌که ما می‌دانیم ایشان قربانی‌اند و ما هستیم که در واقع دراین‌میان، مقصرانیم! امیدوارم حرکتی که آغاز شده، به جرئت‌مندی بیشتر و آگاهی‌بخشی بیشتر دختران و زنان جامعه و شناخت مسئولیتی که برعهده سیاست‌گذاران و مجریان فرهنگی این جامعه است بینجامد و تداوم یابد.

تجربه دیگران

رؤیای آموزش عادلانه

معتقد به کمک در یادگیری دروس هستند و کمبودش را در سال پیش حس کردند. اکثر معلمان موافق (۳۷درصد) یا کاملاً موافق (۵۹درصد) هستند که استفاده از ابزارهای یادگیری دیجیتال تأثیر زیادی در امر آموزش دارد. آنها معتقدند استفاده از ابزارهای یادگیری دیجیتال در وب‌سایت‌ها، برنامه‌ها، آموزش‌های آنلاین، بازی‌ها و فیلم‌های آنلاین آموزش برای پشتیبانی در یادگیری دانش‌آموزان استفاده می‌شود. این نتایج مشابه نتایج سال ۲۰۱۹ است؛ زمانی که ۸۱ درصد از معلمان، ۸۸ درصد از مدیران و ۹۶ درصد از مدیران همین نظر را داشتند. پیش‌بینی می‌شود با گسترش پاندمی در ماه‌های آینده نیاز به آموزش آنلاین افزایش یابد. باتوجه به اینکه ابزارهای دیجیتال هسته اصلی یادگیری هستند، یکی از مسائل نگرش منفی دانش‌آموزان نسبت به این ابزار با توجه به تجربه سال پیش آنهاست. البته با وجود برخی مشکلات، معلمان هنوز برای وسایل دیجیتال ارزش قائل هستند. در این تحقیق برای موفقیت در این سال تحصیلی نکاتی از سوی خانواده‌ها و مربیان مطرح شده است، ازجمله انتظارات روشن، دسترسی به معلمان و ارتباطات مداوم و دسترسی به ابزار دیجیتال، پشتیبانی ارائه‌دهندگانشان در زمینه دراختیار قراردادن وسایل و رفع نگرانی دانش‌آموزانی است که احساس می‌کنند سال پیش عقب افتاده‌اند. در موفقیت کنونی معلمان، والدین و دانش‌آموزان به‌طور قابل‌توجهی دچار کمبود اعتمادبه‌نفس شده‌اند. تحلیلگران این پژوهش معتقدند باید مدتی از فعالیت مدارس بگذرد تا شکاف‌ها، انتظارات و سردرگمی‌ها شناسایی شود. شاید بیش از هر زمان دیگر، بودن در فضای آموزش و دیدار معلمان، والدین و دانش‌آموزان با یکدیگر مهم باشد زیرا هرچند خانواده‌ها از یادگیری از راه دور و استفاده از روش‌های یادگیری دیجیتال بهره می‌برند اما نیاز است تا یادگیری عادلانه‌تری برای دانش‌آموزان فراهم شود و انتظارات و عملکردها برای موفقیت بیشتر، تدوین شود.

حق‌بان

حرمت حریم خصوصی



● **حریم خصوصی** عبارت است از حق افراد برای برخورداری از حمایت‌شدن در برابر مداخله دیگر در امور زندگی خود. در واقع حریم خصوصی «حق افراد برای تنهاییبودن است». در یک تقسیم‌بندی حوزه‌های حریم خصوصی به چهار بخش: حریم جسمانی، مکانی، اطلاعات و ارتباطات دسته‌بندی می‌شود. امروزه افشای اسرار و اطلاعات افراد مشهور و غیرمشهور به یک سرگرمی در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است. در این یادداشت فقط به مسئله حریم خصوصی در حوزه اطلاعات و ارتباطات می‌پردازیم.

جدای از اشاره تمام مکاتب اخلاقی بر رعایت حدود و حریم دیگران، در آیت و روایت متعددی نیز بر این امر تأکید شده است؛ عبارت «وَلَا تَجَسَّوْا» (در کار دیگران سرکشی نکنید!) در آیه ۱۲ سوره حجرات یا در بخشی از فرمان علی ابن ابیطالب (ع) به مالک اشتر به‌صراحت آمده است: «در جست‌وجوی امور پنهان نباش!»؛ اینها نمونه‌هایی از پیشینه رعایت حریم خصوصی در شریعت اسلام است. در کشور ما، قانون خاص و مستقلی در این حوزه تصویب نشده است. در مردامه‌اش ۱۳۸۴ لایحه‌ای با عنوان «حمایت از حریم خصوصی» از سوی دولت به مجلس ارائه شد که با وجود نظر مساعد مرکز پژوهش‌های مجلس، در فروردین سال ۱۳۸۵ مسترد شد.

اصل ۲۲ قانون اساسی به‌صراحت به مصونیت حیثیت افراد از تعرض می‌پردازد. با در اصل ۲۵ می‌خوانیم: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش‌کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخایره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است؛ مگر به حکم قانون». در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان یک ضمانت اجرای کلی در نقض حقوق مقرر افراد در قانون اساسی توسط مقامات دولتی، مجازات یک تا پنج سال انقصال از مشاغل حکومتی و حبس از دو ماه تا سه سال پیش‌بینی شده است. اما قانون‌گذار درخصوص افشای اسرار توسط کسانی که به مناسبت شغل خود محرم اسرار می‌شوند، در ماده ۶۴۸ به شکل جداگانه یکی از دو مجازات سه ماه و یک روز تا یک سال حبس یا یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تا شش‌میلیون ریال جزای نقدی را در نظر گرفته است. تأکیدت نامند به موجب «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (۱۳۸۳) «افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی» و همچنین «کنج‌کاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد» برای مقامات قضائی و ضابطان دادگستری در فرایند رسیدگی، ممنوع است.

در حوزه رسانه دو قانون خاص ضابطه را مشخص کرده است. در زمینه رسانه‌های مکتوب، «قانون مطبوعات» (۱۳۶۶) در ماده ۲۳ رسانه‌های مکتوب را موظف کرده درصورتی‌که مطلبی مشتمل بر توهمین و افترا یا خلاف واقع و انتقاد به شخص منتشر شود، تخ‌نفع حق دارد ظرف یک ماه پاسخ خود را برای نشریه بفرستد و نشریه مکلف به چاپ آن است که باید در همان صفحه و ستون و همان حروف منتشر شود.

اما در فضای مجازی «قانون جرائم رایانه‌ای» (۱۳۸۸) در سه ماده هتک حیثیت افراد را جرم‌انگاری کرده است. هرکس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. (ماده ۱۶) همین مجازات برای کسی که صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد که منجر به هتک حیثیت او شود، در نظر گرفته شده است. (ماده ۱۷) و سرانجام هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی ااذایی را منتشر یا در دسترس دیگران قرار دهد، افزون بر اعاده حیثیت، به همان مجازات پیش‌گفته محکوم خواهد شد. (ماده ۱۷) در نتیجه این مواد شامل همه شبکه‌های اجتماعی از قبیل توئیتر، اینستاگرام، فیس‌بوک و... خواهد بود.

از قوانین مهم اما مهجور که به موضوع حریم خصوصی ربط مستقیم دارد، «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» (۱۳۸۸) بوده که با هدف حق برخورداری شهروندان از اطلاعات تصویب شده است. در ماده ۱۴ این قانون آمده است، «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود». در نتیجه حریم افراد خط قرمز انتشار اطلاعات محسوب می‌شود.